

گزارشی از کارخانه جنرال وجدیدترین اخبار از وضعیت کارخانه صندوق نسوز کاوه

انجمن دفاع از کارگران و بیکاران

دوشنبه بیست پنجم شهریور ۱۳۸۷

يك فعال کارگری در ارتباط با عدم رفع مشکلات، از جمله طلب آکوردهای کارگران، عدم وجود مواد اولیه، کسری پول و بدهی های کارگران، وامهای عقب افتاده و ظمی که به طور مشخص از جانب افرادی مانند تلخوابی و پوربخش و وحیدی در کارخانه صندوق نسوز کاوه انجام میشود، به فریاد کارگر گفت: "ما همچنان مشکل کمبود مواد داریم. البته ۴ ماه از آکوردی که طلب داشتیم را چند روز پیش پرداخت کردند ولی همه در هم و بی حساب کتاب بود. به این معنی که از یکی کم کرده بودند به یکی دیگر داده بودند و امتیازها را به هم ریخته بودند. طوری که همه کارگران اعتراض داشتند. و در کل ۴ ماه طلب ما را که روی هم اندازه يك ماه هم نمیشود پرداخت کردند. الان در حال حاضر ما ۳ ماه طلب داریم که با این ماه میشود ۴ ماه. از زبان یکی از شوراهای کارخانه شنیدم که گفت مدیر عامل کارخانه گفته است که باید ۳۵٪ ساعت ساخت صندوقها را بالا ببرید که کارگران دیگر کارایی نتوانند بگیرند و چنین مزیتی به آنها تعلق نگیرد. وقتی ۳۵٪ زمانها بالا برود به زور فقط میرسیم همین زمانی که اینها تعریف کرده اند را پاسخ بدهیم. ما هم به کارگران گفتیم اگر این طور شود اصلا ما تولیدی نخواهیم کرد. این عمل خیلی به ضرر ما است. چرا که آکور یا کارایی را از حق ما کم میکنند. مثلا میگویند شما ۱۰ ساعت بسازید بعد ۳۵٪ روی این ۱۰ ساعت میگذارند مثلا میگویند ۵/۱۳ ساعت! به این ترتیب همان ۵/۳ ساعتی که روی آن آکورد می آوردیم از دست میدهیم و دیگر چیزی دست ما را نمیگیرد. عملا دارند با زبان بی زبانی همین میزان را هم از ما میگیرند. این موضوع را از وحیدی و تلخوابی شنیده ام. حالا بستگی به مقاومت بچه ها دارد که چقدر بتوانند در مقابل این ظلم دوام بیاورند. از طرفی سران کارخانه همچنان به دنبال پیدا کردن يك سوله هستند که اینجا را جابه جا کنند. اما مشکلات ما به لحاظ کسری مواد و کسری پول و بدهی بچه ها، مبلغ وامهای عقب افتاده همچنان به قوت خودش باقی است و هیچ تغییری نکرده است. این ۴ ماه آکوردی هم که به ما دادند بر اثر فشاری بود که ما آوردیم. گفتیم اگر این طور بخواهید پیش بروید ما يك تولید هم نمیکنیم. در مورد آن ۳۵٪ هم گفتیم که اگر این کار را با ما بکنید يك تولید هم نخواهیم کرد. چه نزولات باشد و چه کارهای دیگر. این فعال کارگری در ادامه همچنین به مشکل جدیدی اشاره کرد که بسیار تاسف بار است. وی در این ارتباط گفت: "يك ظلم و اجحاف دیگر که در کارخانه بر علیه کارگران صورت میگیرد از دور خارج کردن کارگرانی است که مشکلات جسمی جدی دارند. الان تمام بچه های قدیمی را که به هر دلیلی تقریبا از کار افتاده هستند، مثلا دیسک کمر گرفته و یا به خاطر اینکه کار کارخانه واقعا سنگین و طاقت فرسا است دچار حادثه های دیگر شده اند و اعضای بدنشان از سر تا پا واقعا از کار افتاده است و نمیتوانند حقوق از کار افتادگی بگیرند و بچه هایی را که از قبل به خاطر مریضی به قسمت خدمات یا قفل سازی و جاهای سبک فرستاده بودند، الان همه را فرستادند قسمت نزولات که به این ترتیب کارگر بگوید کار برایم سنگین است و نمیتوانم و کارفرما هم بگوید پس اخراج! و به این ترتیب واقعا به کارگران دارند ظلم میکنند. کارگرانی که واقعا به لحاظ جسمی در توانشان نیست کار سنگین بکنند. مثلا نمونه داریم همکاری که حالت

شیمیایی شده بود و ریه هایش از کار افتاده بود از قدیم او را فرستاده بودند باغبانی که مثلاً کمی از این وضعیتی که بود بهتر شود ولی الان این کارگر را هم فرستاده اند جوشکاری نزولات که برایش سم است. این اعمال را با حمایت و پشتیبانی وحیدی و تلخوابی و بالاتر از خودشان میکنند. دستشان باز است و کسی جلودارشان نیست. رفتیم به مدیر عامل گفتیم فلانی مریض است و توان این کارها را ندارد میگوید بروند بیرون و از کار افتادگی بگیرند! حتی يك نمونه نداریم کارگری سالم از این کارخانه بازنشسته شده باشد. به خاطر حجم کار سنگین و طاقت فرسا در این کارخانه هرکس به هر عنوانی در اینجا مریض شده و رفته است. هیچ کس هم حمایتی نکرده است.“

گزارش ارسالی به فریاد کارگر از کارخانه جنرال

برای حفظ امنیت همکاران از بردن نام معذوریم

در يك گزارش ارسالی به فریاد کارگر در ارتباط با ادامه مشکلات کارخانه جنرال که یکی از قدیمی ترین کارخانه های تهران میباشد چنین آمده است:”

تولید امسال ما چیزی حدود ۳۵ هزار کولر بوده است اما هنوز تعداد زیادی از آن به فروش نرفته است. مشتریهای قدیمی ما که تولیدات ما را خریداری میکردند امسال تبدیل به تنها يك مشتری بود که میزان خیلی کمی را خریداری کرده است. در حال حاضر ۱۶ هزار کولر تولید شده ما کف انبار باقی مانده است و به فروش نمیرود. به علت همین رکود و بین بستکارخانه دچار بحران شده است. جنس به فروش نرفته است و نقدینگی پائین است. یکی از علت‌های این بحران خصوصی شدن کارخانه است. دولت که این کارخانه ها از جمله کارخانه ما را به بخش خصوصی واگذار کرده است باید به این بیاندیشد که با این کار چه ضرری دارد به کارخانه ای به این قدمت وارد می سازد و دود این سیاستها به چشم کارگران بی گناه می رود. کارخانه ما در حال حاضر با بحران مالی روبرو شده است. ما ۱۲۰۰ کارگر داشتیم اما الان تبدیل به ۲۲۰ نفر شده ایم. از این افراد تعداد کمی رسمی و اکثر آنها قراردادی هستند. از طرفی میزان حقوقهایی که الان به کارگران داده میشود با توجه به این تورم اصلاً پاسخگوی زندگی معیشتی کارگر نیست و دخلش به خرجش نمیرسد. در ادامه این تورم مشکلاتی در جامعه و برای کارگر ایجاد میشود که متأسفانه دولت هیچ اقدام و رسیدگی ای برای آن انجام نمیدهد. فقر و بیکاری و بلا تکلیفی جوانان را چه ارگان و کدام مسئول می خواهد جواب بدهد؟ ریشه فقر و بدبختی کجاست؟ وقتی کسی بیکار میشود به هزار بدبختی رو می آورد چون با ۲۲۰ هزار تومان که در این مملکت زندگی نمیچرخد. به دلیل همین مجموعه مشکلات، جامعه کارگری و یا بهتر است بگویم کل جامعه ما دچار بحران شده است. متأسفانه دردها زیاد هستند اما باید يك زبان گویایی این دردها و فریادهای ما را انتقال دهد. وقتی یکی می خواهد نماینده بشود اول آنقدر وعده وعید میدهد ولی وقتی آنجا مینشیند و کرسی را از آن خود میکند و جیبش پر میشود دیگر فراموش میکند که چه به سر زیر دستش دارد می آید و وعده هایش را به فراموشی می سپارد. پل ارتباطی بین مردم و مسئولین کشور ضعیف است چرا که اصلاً مسئولی در این کشور پیدا نمیشود که دردش درد قشر فقیر و کارگر باشد.“

انجمن دفاع از کارگران و بیکاران- نوشته شده در دوشنبه بیست و پنجم شهریور ۱۳۸۷ توسط سارا سپهر